



شکار زیر دریایی آمریکا توسط نیروی دریایی سپاه

اینجا نمی توانید زیر آبی بروید



حسگرها و محموله های مأموریتی را فراهم می کند. به نظر می رسد، همچون آرکیو ۱۷۰ که شکارش نقطه عطفی در قدرت پهپادی ایران ایجاد کرد، شکار این زیردریایی هوشمند و فوق پیشرفته آمریکایی نیز نقطه عطف پررنگی در قدرت دریایی بلامنازع ایران در قلمرو آب های خلیج فارس ایجاد کند.

پشتیبانی از جنگ ضدزیردریایی و انتقال اطلاعات از مهم ترین مأموریت های احتمالی آن است. این زیردریایی می تواند تا ۱۰ روز زیر آب فعالیت کند و براساس مشخصات اعلامی سازنده، توان رسیدن به عمق ۶۰۰۰ متر را دارد. طراحی مازولار و بخش های تولیدشده با چاپ سه بعدی، امکان نصب سریع انواع

بدون سرنشین نیروی دریایی آمریکا تحویل داده شد. این سامانه حدود ۵٫۸ متر طول و نزدیک به سه تن وزن دارد و برای انجام مستقل مأموریت های طولانی در آب های عمیق طراحی شده است. شناسایی و مراقبت زیرسطحی، نقشه برداری بستر دریا، کشف مین، بررسی کابل ها و خطوط لوله دریایی،

<  نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از شکار یک فروند زیرسطحی هوشمند دشمن آمریکایی در تنگه هرمز خبر داد.

زیردریایی خودکار Dive-LD، محصول شرکت آمریکایی Anduril Industries است که نخستین نمونه آن در سال ۲۰۲۵ به یگان سامانه های زیرسطحی

ژاپن در تنگنای هرمز و انتقال فشار به بازار اوراق آمریکا

از حدود ۹۲۷ میلیارد دلار به حدود ۸۴۰ میلیارد دلار رسیده است؛ یعنی کاهش نزدیک به ۸۸ میلیارد دلار. البته نمی توان تمام این کاهش را فروش خالص اوراق آمریکا دانست، زیرا تغییر قیمت اوراق و نرخ ارز نیز در ارزش دلاری ذخایر اثر دارد. اما جهت کلی روشن است: ژاپن برای دفاع از ین ناچار شده حجم بزرگی از دارایی های خارجی خود را به کار بگیرد. اینجاست که مسئله ژاپن به مسئله آمریکای تبدیل می شود. اگر توکیو برای دفاع از ارز خود اقدام به فروش گسترده تر اوراق خزانه آمریکا کند، فشار عرضه در بازار اوراق آمریکا افزایش می یابد و می تواند بازده این اوراق و هزینه تأمین مالی دولت آمریکا را بالا ببرد. اگر در مقابل، ژاپن به جای فروش ذخایر، نرخ بهره را افزایش دهد، کری ترید تضعیف می شود و بخشی از جریان سرمایه به بازارهای مالی آمریکا تحت فشار قرار می گیرد. بنابراین، ژاپن در یک دوراهی دشوار قرار گرفته است: افزایش نرخ بهره، فروش دارایی های خارجی یا پذیرش ین ضعیف تر و تورم بالاتر. هیچ کدام از این مسیرها بدون هزینه نیست. به همین دلیل، اهمیت تنگه هرمز برای ژاپن بسیار فراتر از موضوع انرژی است. هرمز در عمل حلقه ای شده که نفت خلیج فارس را به نرخ تورم ژاپن، ارزش ین، بازار بدهی توکیو و در نهایت، اوراق خزانه داری آمریکا متصل می کند. هرچه بحران انرژی طولانی تر شود، فشار بر ژاپن بیشتر خواهد شد و هرچه فشار بر ژاپن افزایش یابد، احتمال انتقال بخشی از آن به بازارهای مالی آمریکا نیز بالاتر می رود. از این منظر، ژاپن یکی از حساس ترین نقاط انتقال شوک جنگ خاورمیانه به اقتصاد جهانی است؛ کشوری که هزاران کیلومتر از میدان جنگ فاصله دارد، اما آسیب آن می تواند مستقیماً در قلب بازار مالی آمریکا احساس شود.

بلکه می تواند به معنای کاهش واقعی دسترسی به انرژی نیز باشد. این شوک از دو مسیر به اقتصاد ژاپن منتقل می شود. نخست از مسیر تورم: افزایش قیمت نفت، گاز، برق و حمل و نقل مستقیماً هزینه خانوارها را افزایش می دهد و سپس از طریق هزینه تولید، به سایر کالاهای و خدمات منتقل می شود. دوم از مسیر تراز تجاری و نرخ ارز: ژاپن برای خرید انرژی گران تر به دلار بیشتری نیاز دارد و همین مسئله می تواند تقاضا برای دلار را افزایش دهد و ین را تضعیف کند. اینجاک چرخه نامطلوب شکل می گیرد. انرژی گران تر تورم را بالا می برد، ضعف ین واردات را گران تر می کند، واردات گران تر دوباره تورم را افزایش می دهد و بانک مرکزی برای مهار این روند تحت فشار قرار می گیرد که نرخ بهره را افزایش دهد. اما افزایش نرخ بهره برای ژاپن بدون هزینه نیست. نرخ های بالاتر می توانند بازار اوراق دولتی را تحت فشار قرار دهند، هزینه خدمات بدهی دولت را افزایش دهند و هم زمان، کری ترید مبتنی بر ین را نیز تضعیف کنند. اگر سرمایه گذار دیگر نتواند به همان ارزانی گذشته با ین تأمین مالی کند، بخشی از سرمایه ای که به بازارهای مالی آمریکا رفته بود، می تواند بازگردد یا حداقل جریان جدید آن کاهش پیدا کند. راه دیگر دولت ژاپن، مداخله مستقیم در بازار ارز است. نمودارهای موجود نشان می دهد این مداخلات در سال جاری بسیار بزرگ بوده اند. در یک مرحله، حدود ۱۱۰٫۷ تریلیون ین و در مرحله ای دیگر، حدود ۱۵٫۴ تریلیون ین برای حمایت از ین وارد بازار شده است. مداخله دوم تقریباً معادل ۱۰۰ میلیارد دلار است؛ رقمی که نشان می دهد فشار بر ارز ژاپن تا چه اندازه جدی شده است. هم زمان، بخش اوراق بهادار خارجی در ذخایر ژاپن نیز کاهش محسوسی داشته است. در همان داده ها، ارزش این دارایی ها تقریباً

اصلاح شود. نرخ بهره منفی به این معنا نیست که افراد لزوماً از بانک وام بگیرند و بانک به آن ها پول اضافه پرداخت کند. نرخ منفی عمدتاً به سیاست بانک مرکزی و نرخ هایی مربوط می شد که بر ذخایر بانکی اثر می گذاشت. با این حال، نتیجه کلی آن روشن بود؛ هزینه تأمین مالی در ژاپن بسیار پایین تر از آمریکا بود و همین شکاف، کری ترید را جذاب می کرد. ویژگی دیگر اقتصاد ژاپن، اتکای بالای آن به صادرات و در عین حال، مصرف داخلی نسبتاً ضعیف تر از آمریکا است. سیاست پولی بسیار انبساطی ژاپن در سال های گذشته نیز به تضعیف ین کمک کرد و ین ضعیف تر، به طور غیرمستقیم به رقابت پذیری صادرات این کشور کمک می کرد. اما باید توجه داشت که هدف اصلی بانک مرکزی ژاپن الزاماً تضعیف ارز نبود؛ بلکه مبارزه با رکود، تورم بسیار پایین و خطر کاهش قیمت ها بود. مشکل اصلی از جایی آغاز شد که تورم دوباره به اقتصاد ژاپن بازگشت. برای کشوری که چند دهه با تورم بسیار پایین و حتی تورم منفی زندگی کرده، تورم دو یا سه درصدی نیز اهمیت بالایی دارد. این مسئله به ویژه زمانی خطرناک تر می شود که دولت ژاپن یکی از بالاترین نسبت های بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی در جهان را دارد. افزایش نرخ بهره در چنین اقتصادی، به تدریج هزینه تأمین مالی دولت را بالا می برد و فشار زیادی بر بازار اوراق داخلی ایجاد می کند. جنگ و اختلال در تنگه هرمز این مسئله را شدیدتر کرده است. بیش از نود درصد نفت وارداتی ژاپن از این منطقه تأمین می شود و بخش مهمی از آن باید از تنگه هرمز عبور کند. ژاپن همچنین بخشی از آل ان جی مورد نیاز خود را از قطر و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس دریافت می کند. بنابراین، برای توکیو، انسداد هرمز فقط به معنای افزایش قیمت نفت نیست؛

سرمقاله <  شاید برخی گمان کنند اقتصاد ژاپن ارتباط مستقیمی با جنگ در خاورمیانه و انسداد تنگه هرمز نداشته باشد، اما واقعیت برعکس این تصور است. ژاپن از یک سویکی از وابسته ترین اقتصادهای بزرگ جهان به واردات انرژی از حوزه خلیج فارس است و از سوی دیگر، یکی از مهم ترین تأمین کنندگان سرمایه برای بازارهای مالی آمریکا به شمار می رود. به همین دلیل، هر شوک بزرگی که از راه انرژی به ژاپن وارد شود، می تواند در ادامه، از مسیر نرخ ارز، نرخ بهره و بازار اوراق، به اقتصاد آمریکا نیز منتقل شود. برای درک این مسئله، ابتدا باید به رابطه مالی ژاپن و آمریکا نگاه کرد. ژاپن هم اکنون بزرگ ترین دارنده خارجی اوراق خزانه داری آمریکا است و پس از آن، بریتانیا و سپس چین قرار دارند. چین که در دوره ای بزرگ ترین دارنده خارجی اوراق آمریکا بود، طی سال های گذشته به تدریج دارایی های خود را کاهش داده است. در مقابل، ژاپن همچنان یکی از مهم ترین منابع تقاضا برای بدهی دولت آمریکا باقی مانده است. در شرایطی که دولت آمریکا با کسری بودجه بالا و نیاز گسترده به انتشار اوراق مواجه است، رفتار سرمایه گذاران ژاپنی برای واشنگتن اهمیت زیادی پیدا می کند. رابطه دو کشور تنها به خرید مستقیم اوراق محدود نمی شود. ژاپن برای چند دهه نرخ های بهره بسیار پایین و در مقطعی نرخ سیاستی منفی داشت. این وضعیت موجب شد ین به یکی از مهم ترین ارزهای تأمین مالی معاملات موسوم به «کری ترید» تبدیل شود. در این معاملات، سرمایه گذاران با هزینه پایین به ین تأمین مالی می کنند و منابع خود را به دارایی هایی با بازده بالاتر، از جمله سهام و اوراق آمریکا، منتقل می کنند. البته یک برداشت رایج وجود دارد که باید